

Submit Date: 30 June 2026

Revise Date: 29 September 2026

Accept Date: 05 October 2026

Initial Publish: 19 October 2026

Final Publish: 20 February 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Jurisprudential and Legal Conceptualization of Children's Privacy

Shahin Rezaei^{1*}, Maryam Sepasdar²

1. Department of Jurisprudence and Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasouj University, Yasouj, Iran

* Corresponding Author's Email: sh.rezayi@pnu.ac.ir

ABSTRACT

This article aims to examine the jurisprudential and legal conceptualization of children's privacy. Privacy refers to a sphere of personal life into which, according to customary norms and the law, others are expected not to intrude without consent and over which individuals are entitled to exercise control. Given the lack of explicit and transparent legal provisions concerning children's privacy, and because children, due to their physical vulnerability, young age, and limited capacity for self-defense, require special protection in this respect, the issue warrants particular attention. Although the concept of privacy has not been addressed explicitly as an independent subject in religious sources, its protection has been emphasized through such principles and prohibitions as the prohibition of spying and intrusive investigation, the prohibition of entering homes without permission, the prohibition of disclosing others' secrets, eavesdropping, unauthorized visual observation, defamation and ridicule, as well as the prohibition of suspicion, backbiting, and similar conduct. Iranian law likewise lacks a comprehensive definition of privacy, and the relevant rules are dispersed across various legal provisions and are, in some instances, ambiguous. Using a descriptive-analytical method and library-based data collection, the present study explains the concept, manifestations, and jurisprudential and legal foundations of children's privacy and examines its conceptual scope in the Qur'an, hadiths and narrations, consensus, rational arguments, international instruments—including the Convention on the Rights of the Child—and the statutory laws of Iran. In this framework, children's privacy is examined under the categories of physical and sexual privacy, informational privacy, spiritual privacy, and spatial privacy.

Keywords: child, privacy, human dignity

How to cite: Rezaei, S. & Sepasdar, M. (2026). Jurisprudential and Legal Conceptualization of Children's Privacy. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(6), 1-21.



تاریخ ارسال: ۹ تیر ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۷ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۳ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مفهوم شناسی فقهی حقوقی حریم خصوصی کودک

شاهین رضائی^۱، مریم سپاسدار^۲

۱. گروه فقه و حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: sh.rezayi@pnu.ac.ir

چکیده

این مقاله با هدف بررسی مفهوم شناسی فقهی حقوقی حریم خصوصی کودک تدوین شده است. حریم خصوصی، قلمروی از زندگی شخصی است که عرفاً و قانوناً انتظار می‌رود دیگران بدون رضایت بر آن وارد نشوند و بر آن کنترل داشته باشند. با توجه به عدم صراحت و شفافیت قانونی در مورد حریم خصوصی کودکان و دیگری به دلیل ضعف قوای جسمانی، صغر سن و توانایی در دفاع از خود نیازمند حمایت‌های ویژه در این زمینه هستند. در منابع دینی بحث حریم خصوصی مطرح نگردیده و در عناوینی از جمله حرمت تجسس، ممنوعیت ورود به منازل بدون اذن، ممنوعیت افشای اسرار دیگران، استراق سمع، بصر و هجو و ممنوعیت سوءظن، غیبت و ... بر این مهم تأکید شده است و آن را مورد حمایت قرار داده است و در قوانین ایران تعریف جامعی از این مهم صورت نگرفته و قوانین پراکنده و دارای ابهامی بیان شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی، توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، به تبیین مفهوم، مصادیق و مستندات فقهی و حقوقی حریم خصوصی کودک و گستره مفهومی آن در قرآن، روایات، اجماع و دلایل عقلی، و کنواسیون‌های بین‌المللی از جمله کنواسیون حقوق کودک و قوانین موضوعه ایران تحت عنوان حریم خصوصی جسمانی و جنسی، اطلاعاتی، معنوی و مکانی پرداخته است.

کلیدواژگان: کودک، حریم خصوصی، کرامت انسانی

کودک، درصدد تحلیل و پیشنهاد به قانون‌گذار جهت رسیدن به این امر مهم هستیم.

۱- مفهوم‌شناسی

مفهوم کرامت انسانی

کرامت در لغت معنای مختلفی دارد. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احساس و بخشش، جوانمردی و سخاوت (Dehkhoda, 1994). کرامت در فرهنگ لغات معین نیز به معنای بخشندگی و هوش و بزرگی است (Moein, 1981). در کتاب مفردات نیز در خصوص واژه «کرم» آمده است: هرگاه خدای تعالی با این واژه وصف شود، اسمی است برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن او و هرگاه انسان با این واژه وصف شود، اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از این انسان ظاهر می‌شود و واژه کریم تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود، گفته نمی‌شود (Al-Raghib al-Isfahani, 1985).

به لحاظ اصطلاحی، در یک تقسیم‌بندی، کرامت به دو قسم ذاتی و ارزشی یا اکتسابی تقسیم شده است و تعاریف متعددی از این دو نوع کرامت نیز شده است. کرامت ذاتی حیثیتی است که تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن، بی‌هیچ‌گونه استثنایی، از آن برخوردارند و رنگ، نژاد، گویش، جنسیت، وضعیت سیاسی - اجتماعی و... در آن دخالتی ندارد. حدیث شریف «الخلق کلهم عيال الله و احبهم الله انفعهم لهم»؛ «همه مردم دودمان خداوند هستند و محبوب‌ترین آن‌ها نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها برای دودمان خداوند است» (Jafari, 1981). ناظر به همین نوع کرامت است. این نوع از کرامت در بند الف از ماده ششم و در بند ب از ماده نهم اعلامیه حقوق بشر اسلامی که در ۱۴۱۱ قمری در قاهره تصویب گردید، نیز ذکر شده است. کرامت ذاتی در واقع مبنای حقوق فطری بشر بود و قواعد حقوق فطری، از فطرت و

حیطه خصوصی و خلوت اصطلاحی است که به‌صورت مکرر در محاورات عامیانه و همچنین در مباحثات حقوقی، سیاسی و فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگاهی تاریخی به این اصطلاح در مباحثات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون همواره ارزشمند بوده و مورد حمایت واقع می‌شده است، ولی با این حال، تعریف، برداشت، توصیف و مفهومی واحد و یک‌شکل از این اصطلاح هنوز به دست نیامده است و این به‌خاطر تفاوت در فرهنگ‌ها، تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع در طی تاریخ و نیز تفاوت در نوع نگاه و نگرش به این اصطلاح و نقش و جایگاه آن در جوامع بوده است. به‌طوری‌که مصادیق و قلمرو خلوت و حیطه خصوصی از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. با وجود تأکید فقه امامیه در بحث حریم خصوصی، تعریف جامعی از این مهم صورت نگرفته، بالاخص در بحث حریم خصوصی کودکان دارای ابهاماتی است که در مقام اجرا قانون‌گذار را دچار سردرگمی می‌کند. کشورمان ایران که در سال ۱۳۷۲ به موجب قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، مشروط بر عدم مغایرت مفاد کنوانسیون با قوانین داخلی و موازین شرعی، به آن ملحق گردید، به استناد ماده ۹ قانون مدنی و اصل ۷۷ قانون اساسی، دادگاه‌ها را ملزم به رعایت حریم خصوصی کودکان دانسته، اما تاکنون تعریف جامعی از حریم خصوصی حتی در بزرگسالان ارائه نشده است و قائل شدن و تعبیه حق بر حریم خصوصی برای کودکان در کنوانسیون حقوق کودک و عدم تصریح آن در حقوق داخلی، ما را با چالش‌های زیادی در این زمینه روبه‌رو می‌سازد؛ لذا در وهله اول، با ذکر تعاریفی از واژگان حریم خصوصی و کودک و پس از آن، با بررسی حریم خصوصی کودکان در ایران و کنوانسیون حقوق

طبیعت انسانی نشأت گرفته و از طریق عقل انسان، کشف و استنباط می‌گردد، اما کرامت اکتسابی مربوط به اموری است که انسان با تلاش و کوشش خویش به دست می‌آورد (Jafari, 1981). کرامت اکتسابی آن نوع شرافتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به‌کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد، کمال و کسب فضایل اخلاقی، به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، هرچند همگان دارای شئون و حیثیت برابرند، اما انسان قادر است با به‌کار انداختن استعدادهای جمیله خود مراتب کمال انسانیت را طی نماید و به مدارج عالی ارتقا یابد. بدین ترتیب، رفتار انسانی منزلت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند. در نتیجه، افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (Hashemi, 2005). مهم‌ترین معیار و محور این نوع کرامت (اکتسابی) بر اساس آموزه‌های دینی، تقوا و ایمان است (Amid Zanjani, 2000).

مفهوم کودک در لغت

کلمه کودک در زبان و ادبیات فارسی با کلماتی مانند کوچک، صغیر، فرزند دختر یا پسر که هنوز به بلوغ نرسیده است، گفته می‌شود (Moein, 1981).

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا صغیر نامیده می‌شود که معادل عربی آن طفل است. در مصباح المنیر آمده است فرزند صغیر انسان را کودک نامیده‌اند. این لفظ بر مذکر و مؤنث دلالت دارد و تا زمانی که به سن تمیز نرسد، آن را طفل صغیر نامیده‌اند (Al-Fayyumi, 1983).

مفهوم کودک در اصطلاح فقهی و حقوقی

کودک یا طفل در فقه به کسی گفته می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده است و در برخی از آیات قرآن به موضوع کودکی پرداخته و معیارهای سه‌گانه‌ای را برای دوران طفولیت ذکر کرده است که عبارت‌اند از بلوغ الحلم، بلوغ النکاح، بلوغ رشد. با توجه به این معیارها می‌توان گفت در این امر به رشد جسمی و رشد روحی و عقلانی توجه شده است (Allamah Hilli, 1989).

در اصطلاح حقوقی، کودک یا صغیر به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده است. در حقوق موضوعه کشورمان، هرچند در قوانین مختلف درباره آغاز دوره کودکی نظریات گوناگونی به چشم می‌خورد. قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۹ تبصره یک بیان شده که منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد که بر اساس تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری است که بر این اساس می‌توان گفت سن زیر ۱۸ سال را مطرح نموده‌اند، اما قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ماده ۱ خود، با تفکیک میان طفل، هر فرد که به سن بلوغ نرسیده، و نوجوان، هر فرد زیر ۱۸ سال که به سن بلوغ رسیده، همه افراد زیر ۱۸ سال را همچون کنوانسیون حقوق کودک مورد حمایت‌های قانونی به‌طور خاص قرار داده است.

از نظر کنوانسیون حقوق کودک، چنانچه در ماده ۱ آن بیان شده، افراد انسانی کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. البته در این تعریف انتهای کودکی مشخص شده، ولی به ابتدای کودکی اشاره‌ای نشده است. با توجه به تعریف فوق، نکات زیر قابل تأمل است: تنها کسانی مشمول مقررات کنوانسیون می‌باشند که به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشند.

سن بلوغ ارائه‌شده در این ماده یک سن مطلق نیست، بلکه بر حسب قانون ملی کودک متغیر است.

سن ۱۸ سالگی ارائه‌شده در این کنوانسیون، هم سن بلوغ و هم سن رشد می‌باشد.

مفهوم حریم خصوصی در لغت و اصطلاح

حریم در لغت عرب از ریشه «ح ر م» به دو صورت مفرد و مرکب استعمال شده است. به صورت مفرد، به معنای شریک (Al-Firuzabadi, 1991)، دوست و همچنین به معنای چیزی است که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد (Al-Farahidi, 1991).

خصوصی قلمرویی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند» (Ansari, 2007).

۲- گستره و قلمرو مفهومی حریم خصوصی کودک در فقه و حقوق

در این مبحث از نوشتار، ابتدا به ذکر مبانی حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی پرداخته، سپس به معنای حریم خصوصی کودک در فقه می‌پردازیم:

اصل کرامت ذاتی بشر، اصل احترام عرض و آبرو و اصل لزوم کتمان سر از مهم‌ترین مبانی و اصول حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی است که در این قسمت، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اصل کرامت ذاتی بشر

منشأ اعتبار کرامت ذاتی انسان، آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء می‌باشد. خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیراً ممن خلّقنا تفضیلاً»؛ «تحقیقاً ما فرزندان بنی آدم را تکریم کردیم و آنان را در خشکی و دریا به راه انداختیم و از مواد پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آنچه آفریدیم برتری دادیم».

مدلول این آیه صراحتاً کرامت ذاتی بشر را شامل همه افراد انسانی با هر درجه و رتبه مادی و معنوی می‌داند. رعایت کرامت ذاتی افراد بر همگان لازم و واجب است؛ اگرچه آن شخص پلیدترین قاتل هستی باشد که پاک‌ترین انسان را شهید نموده باشد.

می‌توان کرامت ذاتی را این‌گونه تعریف نمود: کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی بالقوه اخلاقی و وجه و نفخه الهی که دارند، به‌طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند.

1988) و به‌صورت مرکب، گاه به مال و گاه به انسان اضافه می‌شود. در صورتی که به مال اضافه شود، به معنای اطراف و پیرامون آمده است، همانند حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که برای استفاده کامل از خانه به آن نیاز است و در صورتی که به انسان اضافه شود، به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد (Ibn Manzur, 1993). مرحوم دهخدا چیزی که آن را حمایت کنند و جنگ کنند بر آن را حریم دانسته‌اند (Dehkoda, 1994).

حریم در فقه نیز به معنای منع آمده است، یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (Sadr, 1996). برای واژه خصوصی در زبان عرب «الخاصه» استفاده می‌شود که به معنای ویژه و اختصاصی است (Al-Turayhi, 1995). جلسه خصوصی به جلساتی گفته می‌شود که غیر از اعضای تشکیل‌دهنده آن، کسی دیگر در آن حضور ندارد. مقابل آن جلسه عمومی است (Dehkoda, 1994). بنابراین، می‌توان گفت خصوصی بودن به معنای به کسی مربوط نبودن است.

برای بیان مفهوم حق حریم خصوصی از تعبیر حق خلوت نیز استفاده شده است. خلوت در لغت فارسی به معنای تنهایی گزیدن، انزوا، تنها نشستن، جای خالی از اغیار و جای آمده است (Moein, 1981).

مفهوم حریم خصوصی در قانون ایران

مطابق بند ۱ ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند و یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار بدهند.

برخی حقوق‌دانان با شناسایی عناصر محرمانه بودن، ناشناس بودن و تنهایی به‌عنوان ارکان حریم خصوصی معتقدند، «حریم

ضرورت و با اذن مقام ذیصلاح قضایی و با حدود کاملاً مشخص وارد این فضا شد (Ghahfarchi, 2011).

اصل حرمت و احترام عرض و آبرو

در تعالیم اسلامی، هرگونه هتک عرض و آبروریزی اشخاص حرام بوده و شدیداً مورد تقبیح قرار گرفته است. احترام و ارزش انسان در حدی است که هرگونه تعرض و مخدوش نمودن آبرو و عرض مسلمان، شدیدترین عقوبت‌ها را دارد. وجوب دفاع از آبرو در کتب فقهی در عرض دفاع از نفس آمده است (Madani, 1992; Sabzevari, 1989; Kashani, 1989). حفظ آبرو در احادیث شیعه از حفظ هر امر دیگری نیز ارزشمندتر شناخته شده است. روایت علوی «ان افضل الفعال، صيانة العرض بالمال» (Al-Hurr, 1988) و همچنین روایت نبوی «المؤمن حرام كله عرضه و ماله و دمه» (Nuri, 1987). به‌روشنی بیانگر این موضوع است.

دستوراتی مانند محروم نکردن سائل (ضحی/۱۰)، مهلت دادن به بدهکار (بقره/۲۸۰) در قرآن وجود دارد که بیانگر لزوم حفظ آبروی اشخاص است. در روایات نیز، آبروی مؤمن مقدس‌تر از حرمت کعبه دانسته شده است (Nuri, 1987).

بیان عیوب واقعی انسان، علاوه بر اینکه مشمول عنوان «غیبت» است، باعث هتک آبرو و شرافت اجتماعی وی نیز می‌باشد. انتساب اموری که در شخص موجود نیست نیز مشمول عنوان «تهمت» است. اسلام پیروان خود را به‌شدت از این‌گونه امور نهی نموده است و حفظ آبروی اشخاص از جمله حقوق و تکالیف مسلمانان دانسته شده است (Al-Kulayni, 1987). نقض حریم خصوصی اشخاص که ممکن است در اشکال متفاوتی بروز یابد، موجب آبروریزی شخص محسوب می‌شود و به لحاظ تطبیق با عنوان هتک عرض، از نظر شرعی حرام بوده و جایز نیست.

در تعالیم اسلامی، کرامت ذاتی انسان نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری و یا عقلایی صرف، بلکه بر اساس یک امر هستی‌شناختی اصیل که ریشه در ذات خلقت بشری دارد، می‌باشد. کرامت انسانی و احترام به مقام والای اشرف مخلوقات، سنت الهی و سیره برگزیدگان و صالحان است. حفاظت از تمامیت روحی و جسمی انسان، از آنجایی که خلیفه خداوند در زمین است و جلوه‌ای از وجود لایزال الهی می‌باشد، امری بایسته و واجب محسوب می‌گردد. لذا هرگونه مداخله، تجسس، پیجویی اطلاعات، نگاه کردن و افشای اطلاعات شخصی افراد که ایشان تمایلی به افشای آن‌ها ندارند و باعث وهن و تحقیر ایشان شود، منافای این کرامت ذاتی است. اطلاعاتی از قبیل بیماری‌های جنسی، عیوب رفتاری یا گفتاری، مشکلات خانوادگی، پیشینه منفی افراد و گناهان و معاصی گذشته ایشان، اطلاعاتی هستند که ممکن است شخص رضایت به افشای آن‌ها نداشته باشد و در صورت آگاهی یافتن و افشای این اطلاعات، ولو نزد یک نفر، حیثیت و شرافت شخص از بین برود و یا اینکه حتی وی از افشای آن‌ها احساس خجالت، سرافکندگی و انزوا نماید. از این روست که با افشای این اطلاعات، کرامت ذاتی بشر از بین می‌رود و برای حفظ این کرامت ذاتی لازم است حریم خصوصی اشخاص مورد حمایت قرار گیرد.

در حقوق مبتنی بر اومانیزم و لیبرالیسم، حمایت از حریم خصوصی مستند به تئوری قرارداد اجتماعی است و به همین دلیل قدرت عمومی می‌تواند به بهانه ایجاد نظم و امنیت و یا شرایط اضطراری به‌راحتی به نقض حریم خصوصی افراد مبادرت کند؛ اما در حقوق اسلامی که حق بر حریم خصوصی افراد مبتنی بر اصل کرامت ذاتی بشر طرح‌ریزی شده است، نمی‌توان به این حق مسلم اشخاص به بهانه‌های واهی تعرض نمود؛ بلکه اصل اولیه را باید بر رعایت کرامت ذاتی اشخاص بنا نهاد و تنها در موارد اضطراری که منافع کلی جامعه اسلامی در معرض خطر است، در حدود

اصل لزوم کتمان سر

در تعالیم اسلامی بر رعایت رازداری و کتمان سر تأکید بسیاری شده است. در برخی روایات، شخص صاحب سر بر نگهداری و عدم افشای سر خود تشویق شده است؛ مانند روایت حضرت علی (علیه السلام) که می‌فرماید: «هلك من لم يحضر امره» (Tamimi, 1989)؛ یعنی کسی که توانایی بر کتمان سر خود نداشته باشد، هلاک خواهد شد. گونه دوم از روایات، اشخاص را به حفظ اسرار دیگران که به هر نحوی به آن‌ها آگاه شده‌اند، توصیه می‌نماید. روایاتی از حضرت علی (علیه السلام) مانند «من افشى سرا استودعه فقد خان»؛ کسی که سری را که به او سپرده شده بود افشا نماید، خیانت کرده است، و «من اقبح العذر اذاعه السر»؛ قبیح‌ترین نیرنگ‌کاری، افشای اسرار دیگران است، از این دست محسوب می‌شود. در همین رابطه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابوذر می‌فرماید:

«يا اباذر المجالس بالامانة و افشاءك سر اخيك خيانة» (Al-Hurr, 1988). اقتضای اطلاق کلام پیامبر آن است که جایز نیست مکالمات درون مجلس، در صورتی که اهل مجلس راضی به افشا نباشند، افشا گردد؛ و بلکه بالاتر می‌توان گفت اصل بر عدم جواز افشای مکالمات است، مگر اینکه رضایت ایشان احراز شده باشد و در فرضی که ایشان عدم افشا را گوشزد نموده باشند، این عدم جواز آکد است. همچنین اخذ میثاق و تعهد بر عدم افشای مذاکرات جلسه، این عدم جواز را تشدید می‌کند. در ضمن، مجلس و مجالسه خصوصیتی نداشته و مکالمات تلفنی و مراسلات نیز شامل این روایت می‌شوند.

حریم خصوصی کودک در فقه

آیات قرآن

در فقه بحث حریم خصوصی تحت این عنوان مورد بررسی قرار نگرفته، ولی مقولات و مسائل آن مورد حمایت قرار گرفته است. می‌توان گفت چنین حقی قبل از اینکه در مغرب‌زمین و

کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری مورد پیش‌بینی قرار گیرد، در منابع فقهی و حقوقی اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر فقهی، حریم خصوصی تحت قاعده سلطه «الناس مسلطون علی اموالهم» (Najafi, 2000). معرفی می‌شود که به طریق اولی شامل انفس و اعراض هم می‌شود و احکام و مصادیق آن ذیل عناوینی از جمله ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق سمع، استراق بصر، سوءظن، غیبت، هجو، اشاعه فحشا و هتک ستر و نظایر آن که به نوعی دلالت بر حریم خصوصی می‌کند، استناد شده است. لذا در این قسمت از نوشتار مهم‌ترین آیاتی از قرآن که بر حمایت از حریم خصوصی اشخاص و به عبارتی کودکان وجود دارد، به فراخور مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه حریم خصوصی شامل محدوده‌ای از زندگی شخصی است که به‌وسیله قانون و عرف تعیین شده است و ارتباطی با عموم ندارد، به نحوی که دخالت دیگران در آن ممکن است باعث جریحه‌دار شدن احساسات شخص و تحقیر شخصیت وی در نزد دیگران شود (Rahmdel, 2005). قلمرو حریم خصوصی را می‌توان در محدوده جنسی و جسمی، معنوی، اطلاعاتی و مکانی احصا نمود:

۱- حریم جنسی و جسمی کودک

تمامیت جسمانی هر شخص، اولین و مهم‌ترین داشته اوست که تجاوز به آن در همه نظام‌های حقوقی با شدیدترین مجازات‌های کیفری مواجه می‌شود و به همین دلیل، کامل‌ترین حریم از جهت حمایتی، حریم جسمانی می‌باشد (Sadeghi, 2009).

آیات ۳۰-۳۱ سوره نور «قل للمؤمنین يغضوا من أبصارهم... و قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن...» مشتمل بر نهی افراد جامعه از تجاوز به حریم خصوصی جسمانی افراد است. در احکام اسلام، زن و مرد در نگاه به مواضع یکدیگر محدودیت‌هایی دارند. شاید در نگاه ظاهری استنباط شود که این امر شامل کودکان نمی‌شود و

این حکم مختص زنان و مردان بوده، در حالی که حریم خصوصی جسمانی حق اشخاص در حمایت و مصونیت از تعرض به تمامیت جسمانی و بدنی آنهاست و کودکان به عنوان بخش مهمی از افراد جامعه، مانند بقیه انسان‌ها از حریم خصوصی برخوردارند.

به نظر می‌رسد که اهمیت موضوع این آیه، یعنی کنترل نگاه، در مورد کودکان به مراتب بیشتر است؛ زیرا بر اساس قوانین اسلام که منطبق بر فطرت است، غریزه جنسی باید مطابق با رشد و نمو جسمی و همسو با قوانین طبیعت تکامل یابد و تا رسیدن به مرحله بلوغ باید تلاش شود تا شرایط اختفای غریزه جنسی کودک فراهم گردد. این شرایط در روایات و سیره امامان معصوم کاملاً مشهود است؛ مانند جداسازی بستر کودکان، اجازه گرفتن موقع خلوت والدین، پنهانی بودن روابط زناشویی و منع حرکات تهییج‌آمیز نسبت به کودکان و این اطلاق کلام شامل کودک ممیز و غیرممیز می‌شود.

با استناد به اطلاق آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌توان نتیجه گرفت که انتشار تصاویر کودکان با اهداف مختلف، مانند نمایش زیبایی‌های کودکان، برانگیختن حس ترحم مخاطبان، تبلیغ کالا و خدمات در فضای مجازی از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی، حتی والدین، مغایر با کرامت انسانی خواهد بود و همچنین به واسطه آسیب‌های جسمی و روحی و دیگر آسیب‌های مغایر با مصلحت کودک و نقض صریح حقوق و خشونت علیه آن‌ها خواهد بود.

۲- حریم معنوی

بدیهی است که سرمایه و حقوق انسان منحصر در امور مادی نیست، بلکه انسان از حقوق معنوی برخوردار است که در اکثر مواقع نسبت به حقوق مادی از اولویت بیشتری برخوردار است. حیثیت و شخصیت از مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان است. مصونیت این حریم در مورد کودکان به عنوان آینده‌سازان قطعاً از حساسیت بیشتری برخوردار است که در صورت نقض و تعرض به آن، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

خداوند در آیه ۶ سوره ضحی بر ضرورت بهره‌مندی کودکان از محل مناسب آسایش و آرامش سخن به میان آورده است و این منت بر پیامبرش را یادآوری نموده است که چنین شرایطی برای وی فراهم شده است: «الم یجدک یتیمًا فای». اگرچه این آیه در مقام امتنان بر پیامبر است، ولی با توجه به قلمداد شدن محل آسایش به عنوان نعمت خدا، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که از حقوق کودکان، دسترسی به آرامش و محیط مناسب رشد است (Beheshti, 2012). رویکرد دین اسلام به کودک تنها توجه به خواست و نیاز فعلی او نبوده، بلکه کودک را در مسیری به نام کمال تصور کرده است. برای حصول رشد و کمال، اولین نیاز کودک دسترسی به حریم امن و محل آسایش و مناسب زندگی اوست. در ادامه برخی از مصادیق نقض حریم معنوی آورده شده است.

الف) طعنه و عیب‌جویی

یکی از نیازهای معنوی انسان حفظ عزت نفس است؛ از این رو، مایل نیستند دیگران از خطا و اشتباهاتشان مطلع شوند. قرآن و روایات نیز بر این صحنه گذاشته و بر حق حریم خصوصی با اشارات و مفاهیم و مصادیق متعددی تأکید نموده‌اند. قرآن در مقام نهی از عیب‌جویی هشدار می‌دهد: «ویل لکل همزه لمزه». در تفاسیر مختلف برای معنای همزه و لمزه مفهوم وسیعی در نظر گرفته شده (Tabatabaei, 1996). اما تمام معانی دال بر نقض حریم خصوصی می‌باشد؛ زیرا عیب‌جویی چه در حضور و چه در غیاب فرد، نقض حریم خصوصی و هتک حرمت فرد محسوب می‌شود. افزون بر این، باعث تهییج کینه و عداوت و از بین رفتن محبت و دوستی و از هم پاشیدگی نظام و شیرازه اجتماع می‌شود. رسول اکرم در روایتی می‌فرماید: «خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر کارهای نیکش یاری دهد، در حالی که از زشتی‌هایش می‌گذرد و در خلوت برایش دعا می‌کند» (Nuri, 1987). زیرا چشم‌پوشی از خطای کودک و عدم اصرار به نقض

به انجام امور تجاری و شغلی و تحصیلی، مالی، آموزشی، پزشکی و حقوقی، اطلاعات شخصی می‌گویند (Nakhjavani, 2004).
صیانت از حریم خصوصی و اطلاعاتی در مباحث قرآنی و روایی زیر قابل استناد است:

الف) ممنوعیت تجسس

یکی از آسیب‌های شخصیتی که قرآن کریم در سوره حجرات، آیه ۱۲، ذکر می‌کند و ناقض امور خصوصی است، تجسس در امور دیگران است: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثم». حرمت تجسس عام است و از تجسس در عقاید، اخلاق و احوال روحی تا تجسس از خلوت و پنهانی افراد را شامل می‌شود. و لذا تجسس در امور و احوال دیگران با اطلاق و عمومیت خود شامل تمامی مصادیق حریم خصوصی می‌گردد و با توجه به این بیان، هرگونه کنکاش و دسترسی به اطلاعات افراد که آن را پنهان داشته‌اند، تجسس منهی‌عنه محسوب می‌شود (Ghahfarchi, 2011).

ب) اشاعه فحشا و هتك ستر

فاش کردن امور خصوصی دیگران بر اساس ادله احکام در فقه امامیه حرام است. در قرآن کریم، اشاعه فحشا عملی تلقی شده که پیامد آن عذاب دردناک در دنیا و آخرت است؛ چنان‌که در آیه ۱۹ سوره نور آمده است: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره».

با توجه به مفهوم وسیع اشاعه که هرگونه فساد و اشاعه زشتی‌ها را شامل می‌شود (Makareem Shirazi, 1995). استفاده ابزاری از کودکان برای تبلیغات، خرید و فروش و شوهای تبلیغاتی از مصادیق اشاعه فحشا و نقض حریم خصوصی کودک است.

۴- حریم مکانی

حریم خصوصی مکانی در واقع به قواعدی می‌پردازد که آرامش و آسایش شخصی را در یک مکان متعلق به خود تضمین می‌کند، به نحوی که اطمینان حاصل نماید که هیچ‌کسی نظاره‌گر وی در مکان

حریم خصوصی او باعث تنبه کودک و حفظ شخصیت وی و سوق دادن او به کارهای نیک می‌گردد.

ب: استهزا و القاب زشت

تمسخر و استفاده از القاب نادرست از مصادیق اعمال خشونت روانی و نقض حریم خصوصی کودک است؛ زیرا عرض و آبروی کودک از حریم خصوصی کودک است. مستند به آیه ۱۱ سوره حجرات «یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرا منهم»، در نهی از تمسخر، اطلاق آیه شامل پدر و مادر و مربیانی که برای فرزندان خود نام و لقب زشت و زننده و بی‌محتوا انتخاب می‌کنند نیز می‌شود و بعید نیست که از این آیه حرمت آن استفاده شود (Ansari, 2007). منع در آیه شامل همه مصادیق حریم خصوصی، از جمله حریم خصوصی خانوادگی و کودک، می‌شود.

با مطالعه در منابع فقهی این‌گونه برداشت می‌شود که کودکان همچون افراد بالغ از شرافت ذاتی و کرامت انسانی برخوردارند و تکریم و رفتار مناسب با آن‌ها توصیه شده است. کرامت ذاتی یک موهبت خدادادی است که از آغاز خلقت با سرشت انسان عجین شده است و از آنجا که کودکان به دلیل فقدان اهلیت و عدم بلوغ جسمی و عقلی به شدت آسیب‌پذیرند، نیازمند تکریم و احترام هستند.

۳- حریم اطلاعاتی

به هر نوع داده، از جمله صوت، تصویر، فیلم، نوشته، نقشه، اعداد یا ترکیبی از آن‌ها که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره گردیده یا به هر وسیله‌ای ضبط شده باشد، اطلاعات می‌گویند. اطلاعات مربوط به هویت، احوال شخصی، وضعیت فردی، عقاید و باورها، پست الکترونیکی، عکس، فیلم، صوت و عادات رفتاری، از قبیل نام و نام خانوادگی، محل و تاریخ تولد، ازدواج، طلاق، جراحات‌های جسمی و روحی و شماره حساب بانکی، محل کار و سکونت و همچنین اطلاعات شخصی مربوط

روایات دال بر حرمت تجسس

در حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «من مشی فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوه خطأها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رؤوس خلایق» (Al-Hurr al-Amili, 1988).

عورت در لغت به معنای هر آن چیزی است که افشای آن باعث شرمندگی گردد (Ibn Manzur, 1993). در روایت، افراد از کشف عیوب یکدیگر و کشف لغزش‌های گذشته دیگران منع شده‌اند. کنکاش در لغزش‌ها و گناهان و عیوب رفتاری، گفتاری، جسمانی و... انسان‌ها باعث تخریب شخصیت ایشان می‌شود و نقض حریم خصوصی محسوب می‌گردد.

روایات دال بر ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن

حریم منزل در روایات متعددی که از منابع روایی شیعه نقل شده است، دارای احترام زیادی است. اختصاص باب روایات دال بر ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن در کتب روایی اصلی شیعه، مانند وسائل الشیعه و الکافی، شاهد این مدعاست. در ادامه برخی از این روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد. الف: حکم پیامبر (ص) در قضیه سمره بن جندب، حدیث معروف «لاضرر و لا ضرر فی اسلام» و شأن صدور این بیان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یکی از بارزترین موارد حمایت از حریم خصوصی منازل اشخاص است. سمره بن جندب پس از فروش منزل خویش به یکی از صحابی، گاه و بیگاه به بهانه سرکشی به درخت نخل خرما خود که در آن منزل وجود داشت، به منزل صحابی تردد می‌نمود. صحابی از تردهای بی‌موقع و بدون اذن سمره ناراحت شده و به رسول الله (ص) شکایت می‌کنند. پیامبر اکرم (ص) ابتدا از سمره بن جندب می‌خواهد که برای هر دفعه ورود به منزل صحابی از وی یا اهل منزل اذن بگیرد؛ ولی سمره نمی‌پذیرد. پیامبر (ص) برای از بین بردن ریشه نزاع، سمره را دعوت به معاوضه می‌نماید؛ لکن سمره قبول نمی‌کند و حتی حاضر نمی‌شود با صرف نظر کردن

مزبور نیست. به عبارت دیگر، افراد این انتظار متعارف را از جامعه دارند که در نحوه استفاده از ملک خود آزادی کامل داشته و از طرف هیچ‌کس به ملک مزبور تعرض نشود و هیچ شخصی بر فعالیتش نظارت و تجسس ننماید. در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور، ورود به منازل اشخاص منوط به استیذان شده است:

«یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأمنوا و تسلموا علی أهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون، فإن لم تجدوا فیها أحداً فلا تدخلوها حتی يؤذن لکم وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أذکی لکم والله بما تعملون علیم».

مفسران معنای استیذان و استیناس را اجازه ورود خواستن (Allamah Hilli, 1989) یا آگاه کردن صاحب‌خانه (Feyz

Kashani, 1997) شمرده‌اند. معنای عام اجازه گرفتن در این آیات دلالت بر دوسویه بودن حفظ حریم خصوصی دارد؛ یعنی نه تنها برای افراد خارج از منزل، بلکه برای سایر اعضای خانواده نیز لازم است. کودکان مانند دیگر اعضای خانواده برای تنظیم احساسات و آرامش فکری و روحی نیاز به مکان و حریم خلوت دارند و پیش‌بینی اتاق اختصاصی به معنای محدود ساختن دیگران است. البته با توجه به اهتمام تمامی حقوقی و اخلاقی بر لزوم تربیت صحیح کودک، باید گفت حریم خصوصی کودک باید با اصول حاکم بر اعضای خانواده حاکم باشد.

۵- حریم خصوصی در سنت

روایات بسیاری در خصوص احترام آبرو و حیثیت مؤمن، ممنوعیت تجسس و تفتیش، ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن، ممنوعیت استراق بصر، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر وارد شده است که همگی دال بر حساسیت شدید شارع بر رعایت حریم خصوصی اشخاص می‌باشد.

همان‌گونه که از این روایات به دست می‌آید، شارع مقدس از اسرار افراد به‌عنوان یکی از حقوق خصوصی آن‌ها حمایت نموده است.

النساء فی الدنيا و لایخرج من الدنيا حتی یفضحہ الله و یبدی للناس عورته فی الآخره» (Mamaghani, 1925). هرکس بر خانه همسایه خویش دسترسی داشته باشد و به آن نگاه کند و عورت مرد منزل و یا موی زنان اهل منزل و یا قسمت دیگری از بدن زنان اهل منزل را نظاره کند، بر خداست که وی را داخل جهنم در کنار منافقین نماید که در جستجوی نظاره بر بدن زنان دنیا بوده‌اند؛ و از دنیا نمی‌رود مگر اینکه خداوند وی را در میان مردم ضایع گرداند و در روز قیامت نیز زشتی‌های او را در برابر مردمان آشکار می‌نماید. در این روایت کسانی که به دنبال نظاره بر بدن زنان هستند و آنانی که منزل غیر را بدون اذن صاحب ملک نگاه می‌کنند، در ردیف منافقین آورده شده‌اند و وعده عذاب به ایشان داده شده است؛ و وعده عذاب در مورد امری دلالت بر تحریم آن دارد. در حقیقت شارع مقدس با تحریم نقض حریم خصوصی منازل، سعی نموده است به تحریک عامل درونی انسان‌ها جهت پیشگیری از نقض حریم خصوصی منازل همت گمارد.

در روایت دیگری حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «إذا اطلع رجل علی قوم یشریف علیهم أو ینظر من خلل شیء لهم فرموه فأصابوه فقتلوه أو فقعوا عینه فلیس علیهم غرم» (Al-Kulayni, 1987). هرگاه شخص بر گروهی اشراف و اطلاع پیدا کند و یا از سوراخی آن‌ها را نظاره نماید؛ پس چنانچه او را سنگ بزنند و کشته شود و یا چشم وی درآید، ضمانی متوجه ایشان نیست.

ب: روایات دال بر ممنوعیت استراق سمع

از جمله احادیثی که صراحتاً این امر را مذمت نموده است، می‌توان به روایت امام صادق (علیه‌السلام) اشاره نمود: «ان المستمع حدیث قوم و هم له کارهون یعذب الله یوم القیامه و یصب فی اذنه الانک» (Al-Hurr al-Amili, 1988; Nuri, 1987). هرکس به کلام دیگران گوش دهد در حالی که ایشان به این فعل وی رضایت ندارند، خداوند در روز قیامت وی را عذاب می‌کند و در گوش او سرب خواهد ریخت.

از درخت نخل دنیایی، با ضمانت پیامبر اکرم (ص) در بهشت صاحب نخل‌های فراوان شود. پیامبر نیز برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری، به ایشان دستور کردند و از بین بردن درخت را می‌دهند. در تحلیل چرایی حکم پیامبر به قطع درخت، باید قطع درخت را مجازات تعزیری دانست. پیامبر در واقع برای ورود بدون اذن سمره بن جندب - که فعلی حرام بوده است - بنا به صلاحدید خود مجازات تعزیری قطع درخت، ماده نزاع، جعل نموده است. اهمیت این حدیث در حمایت از حریم خصوصی منازل اشخاص، با عنایت به حدیث نبوی «حرمة مال مسلم كحرمة دمه» (Al-Kulayni, 1987; Nuri, 1987) بیشتر معلوم می‌شود. اگرچه اسلام برای اموال افراد احترام فوق‌العاده‌ای قائل است و ضمن حمایت از مالکیت خصوصی، به مسلمانان توصیه می‌کند از اموال خویش دفاع نمایند، لکن در جایی که مالک بخواهد با نقض حریم خصوصی اشخاص به اموال خود سرکشی نماید، با اقتدار از چنین عملی جلوگیری می‌کند.

از این روایت این گونه استفاده می‌شود که در جایی که اشخاص به هر دلیلی در محیط منزل خصوصی سایر افراد دارای حقوقی هستند، در مرحله اجرای حق خود باید حقوق دیگران را نیز لحاظ نمایند و از جمله حقوق افراد، حق بر حریم خصوصی است. هرگونه سوءاستفاده از حق در قالب نقض حریم خصوصی افراد ممنوع می‌باشد و با ناقض حریم خصوصی به شدت رفتار خواهد شد.

الف: مجازات نظاره‌گر به منزل غیر بدون اذن

در کتب روایی نیز مبحثی تحت عنوان «النظر الی دار الغیر بغیر اذنه» (Mamaghani, 1925) وجود دارد که صراحتاً در خصوص نقض حریم خصوصی منازل اشخاص می‌باشد. از جمله این روایات می‌توان به روایت زیر اشاره نمود: «ان من اطلع فی بیت جاره فنظر الی عورة رجل و شعر امرأة أو شیء من جسدھا کان حقاً علی الله ان یدخله النار مع المنافقین الذین یتبعون عورات

استراق سمع و گوش دادن به سخنان دیگران امری مذموم و به دور از ادب انسانی است. اشخاصی که در گوشه‌ای به دور از دیگران و در محیطی تنها نشسته‌اند و در حال گفتگو هستند و یا اینکه با وسایل ارتباطی نوین در حال مکالمه‌اند، بالبداهه انتظار دارند کسی به مکالمات ایشان گوش ندهد و گفتگوها مخفی باقی بماند. در صورتی که ایشان گمان بر شنود داشته باشند، ممکن است بسیاری مطالب را نگویند. در روایات شیعه، استراق سمع مکالمات دیگران تقبیح گردیده است.

ج: روایات دال بر ممنوعیت افشای سر

بی‌تردید هر فردی در زندگی خویش ناگفته‌هایی دارد که بخش پنهان زندگی او به شمار می‌رود و وی هرگز تمایلی به بیان آن‌ها ندارد. از این امور معمولاً به «سر» تعبیر می‌گردد. سر را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «چیزی که انسان پیش یا پس از آنکه به دیگری بگوید، خواستار پنهان کردنش باشد؛ و مواردی که بدون تصریح بر این خواسته قرآینی بر طلب کتمان دلالت نماید نیز مشمول این تعریف شناخته شده است. بنابراین، هر امر پوشیده و مخفی از دیگران که قانون یا درخواست صاحب آن یا اخلاق اجتماعی و حرفه‌ای افشای آن را منع می‌نماید، سر به شمار می‌رود.

از این رو، اطلاعاتی که به نوعی فردی تلقی می‌شوند، مانند شماره حساب بانکی، اطلاعات راجع به اعضای خانواده، شغل قبلی و سایر اطلاعاتی که مختص شخص می‌باشند، را باید جزء اسرار دانست. از سوی دیگر، خصوصیات و ویژگی‌های روحی فرد و همه آنچه که در محدوده زندگی خصوصی او قرار می‌گیرد، مانند وضعیت منزل، گفتگوهای شخصی وی با دیگران و اسرار خانوادگی، شامل حریم خصوصی اطلاعاتی فرد می‌شوند. در روایات نیز به رازداری و عدم افشای سر دیگران توصیه‌های فراوانی شده است.

از جمله این روایات می‌توان به حدیث امام صادق (ع) اشاره کرد که فرمودند: «من روی علی مومن روایه یرید بها شینه و هدم مروه

لیسقطه من اعین الناس، اخرجہ الله من ولایتہ الی ولایہ الشیطان، فلا یقبلہ الشیطان» (Al-Kulayni, 1987). هرکس سخنی راجع به شخص دیگری نقل کند و با این نقل قصد داشته باشد مروت او را از بین ببرد و وی را از چشم مردمان بیندازد، خداوند او را از ولایت خود خارج نموده و داخل در ولایت شیطان می‌کند، اما شیطان نیز او را قبول نمی‌کند.

یا در روایت دیگری می‌فرمایند: «من اطلع علی مومن ذنب او سیئه فافشی ذلک علیه و لم یکنمها کان کعاملها و علیه وزر ذلک الذی افشاه علیه» (Nuri, 1987). «هرکس از مؤمنی گناهی سراغ داشته باشد و آن را افشا نماید و مستور نکند، گناهی هم به اندازه گناه افشانموده بر عهده وی است.»

همان‌گونه که از این روایات به دست می‌آید، شارع مقدس از اسرار افراد به‌عنوان یکی از حقوق خصوصی آن‌ها حمایت نموده است که این امر در کودکان بیشتر حائز اهمیت می‌باشد.

علاوه بر آیات قرآن، با دقت در سیره معصومین درمی‌یابیم که روایات از تواتر معنوی در حق حریم خصوصی برخوردارند و شارع در برخی از این روایات با لسان نهی و الزام به ترک و در بعضی دیگر با ادبیات اثباتی و ارشادی بر رعایت حریم خصوصی تأکید کرده و از آنجا که دلالت این روایات عام است، با احراز ملاک بر مصادیق حریم خصوصی، از جمله حریم خصوصی کودک، منطبق می‌باشد.

۶- حریم خصوصی از دیدگاه اجماع فقیهان

اجماع در لغت، به معنای اتفاق و در اصطلاح عبارت از اتفاق نظر فقهای اسلام بر یک حکم شرعی است. منبع بودن اجماع در فقه به این معناست که فقیه در مقام استنباط حکم شرعی بتواند اتفاق نظر فقها را مستند خود قرار داده و بر طبق آن فتوا دهد.

مثلاً «غیبت» به‌عنوان یکی از مصادیق نقض حریم خصوصی است. امام خمینی حرمت غیبت را فی‌الجمله اجماعی دانسته‌اند (Najafi, 2000). با استقرا در آرای فقیهان در زمینه حرمت

مختلف هنگام استنباط احکام فقهی، عقل را مبنای استنباط و یا در کنار احکام شرع مورد استناد قرار می‌دهند. ادله عقلی دال بر وجوب حمایت از حریم افراد را می‌توان در زیر به آن‌ها اشاره نمود.

الف: قضاوت وجدان

مسئله وجوب نگهداری آبرو و اسرار مسلمانان از جمله مسائل حیاتی است. وجوب آن به ادله بدیهی وجدانی، عقلی و شرعی مستند می‌باشد. طبق داوری عقل و دلالت بدیهی وجدان، اصل و قاعده این است که هیچ‌کس بر کس دیگر ولایت و سلطه نداشته باشد. در حالی که زیر نظر گرفتن پنهانی دیگران و کنکاش و جستجو کردن درباره آنان و نیز افشاگری و پخش کردن عیب‌ها و اسرارشان نوع تصرف درباره دیگران به شمار می‌آید؛ بنابراین، «اصل اولی» در اینجا مراد قاعده و قضاوت عقل است، جایز نبودن آن را اقتضا می‌کند. بنابراین، تجسس و خبرجویی از اندرون زندگی شخصی مردم و امور پنهانی آنان جایز نیست و به هیچ‌کس اجازه داده نشده است که اسرار و لغزش‌های مردم را پخش و افشا کند. بر پایه این دو اصل و شالوده استوار، حرمت تجسس و حرمت پخش اسرار شخصی مردم است که زندگی توده مردم بنیان‌گذاری شده است (Amid Zanjani, 2000).

ب: ممنوعیت عقلی ولایت بر دیگران

به حکم عقل فطری، ولایت بر دیگران ممنوع است و اثبات ولایت بر دیگران احتیاج به دلیل خاص دارد. تجسس نیز نوعی ولایت بر دیگران است و به حکم عقل جایز نمی‌باشد.

ج: ممنوعیت و حرمت عقلی ظلم

عقل سلیم قبیح بودن ظلم را درمی‌یابد و به همین لحاظ آن را حرام می‌شمارد. نقض حریم خصوصی اشخاص نیز از جمله مواردی است که از طریق آن ظلمی به دیگران رخ می‌دهد و حقوق دیگران تضییع می‌شود؛ بنابراین، عقل مستقل بدون استمداد از شریعت

نظاره بر منازل، افشای سر و عیوب، می‌توان به اجماع در وجوب حمایت برخی از مصادیق حریم خصوصی اذعان نمود. معمولاً فقها در این باره به سخن رسول خدا استناد می‌کنند که فرمود جان، مال و عرض شما مسلمانان بر یکدیگر حرام است (Shahid 1986; Shaykh Tusi, 1982; Thani, 1982). یکی از فتاوی‌ای که بر اساس این مبنا صادر شده است، حرمت هجو کردن مؤمن است که به هتک حرمت او مستند شده است (Najafi, 2000).

۷- حریم خصوصی از دیدگاه عقل

عقل یکی از منابع چهارگانه فقه امامیه محسوب می‌شود. دلیل عقلی دلیلی است که صغری و کبری آن عقلی بوده و نتیجه‌ای شرعی داشته باشد که به اصطلاح از مستقلات عقلیه به شمار می‌آید. در استدلال به دلیل عقل چنین می‌توان گفت که عقل تجاوز به حریم شخصی اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب آن‌ها را ظلم و قبیح می‌داند. حال اگر این صغری را بپذیریم و با کبری قاعده ملازمه «کلما حکم بالعقل حکم به الشرع» ضمیمه کنیم، حکم شرعی به حرمت تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و کودکان و اطلاعات آن‌ها استنتاج می‌کنیم. بنابراین، چون عقل رعایت حریم خصوصی افراد را نیکو می‌شمارد، شارع مقدس نیز به نیکو بودن آن اذعان داشته و نقض حریم خصوصی عقلاً قبیح است.

ادله عقلی

رعایت حریم خصوصی دیگران از جمله اموری است که علاوه بر نقل، از طریق عقل نیز واجب است. عقل انسان مستقل از دستورات شرعی، می‌تواند پاره‌ای مسائل را درک نماید. لذا به عنوان حجت قابل استناد می‌باشد. به همین لحاظ، تکالیف بر دو قسم است: شرعی و عقلی (Jafari, 1981).

منظور از تکالیف شرعی مواردی است که از معصومین (ع) نقل گردیده و احکام مختلف را تشکیل داده است. امور عبادی نظیر طهارت، نماز و حج و... از این قبیل هستند. فقها نیز در مسائل

حکم به ممنوعیت و حرمت ورود به حریم دیگران می‌نماید، چه آنکه مصداق ظلم است (Najafi, 2000).

د: حرمت عقلی مقدمه حرام

ورود به حریم خصوصی افراد مقدمه اشاعه فحشا و شیوع منکرات و از بین رفتن و هتک عرض افراد است که همه از سوی اسلام حرام است و به حکم عقل، به اتفاق علما، محکوم حرمت خواهد بود و بر اساس برخی مبانی علمای اصول فقه، این حرمت عقلی کاشف از حرمت شرعی نیز می‌باشد و این نشان از حمایت عقل از حریم افراد و حرمت نقضش می‌باشد (Rahmdel, 2005).

۸- گستره مفهومی حریم خصوصی کودک در نظام بین‌المللی

مفهوم حریم خصوصی به دلیل نوع سیاست‌گذاری و محدودیت‌های حقوقی هر نظام هرگز مورد وفاق دولت‌ها قرار نگرفته است؛ از این رو، مفهوم واحدی در مورد آن وجود ندارد. در این خصوص می‌توان به اعلامیه کنفرانس حقوق‌دانان اشاره کرد که در مقام تعریف و در بند دوم بیان می‌کند: «حق حریم خصوصی حقی است نسبت به تنها ماندن، زندگی کردن با سلیقه خود و با مداخله حداقلی دیگران» (Bistouni & Meghdadi, 2021).

مهم‌ترین سندی که در زمینه حقوق کودکان به تصویب رسیده است، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ می‌باشد. مطابق اسناد حقوق بین‌المللی، کلیه افراد بشری صرف‌نظر از تابعیت، سن، اهلیت مدنی و توانایی ذهنی از حریم خصوصی برخوردارند. حق حریم خصوصی کودک به صورت ضمنی در اعلامیه ژنو (بیانیه حق کودک)، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه جهانی کودک و به صورت صریح در کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است.

در کنوانسیون حقوق کودک به صورت مشخص به قلمرو حریم خصوصی کودک توجه شده است. در ماده ۱۶ کنوانسیون، دخالت و ملاحظات غیرقانونی و خودسرانه و هتک حرمت در امور خصوصی و خانوادگی و حتی مکاتبات کودک منع شده است و

حتی از کشورها درخواست شده است که در برابر این گونه اعمال ضمانت اجرایی تعیین کنند (Peyvandi, 2011). ماده دربرگیرنده حق همه کودکان در جهت برخورداری از حمایت‌های قانونی در مقابل مداخلات خودسرانه و غیرقانونی در امور خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی و همچنین حمایت در برابر تعرض به عزت و آبروی او می‌باشد.

در اصل دوم اعلامیه حقوق کودک، در راستای حفظ سلامت حریم خصوصی کودکان آمده است که باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی، به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم، توسط قانون یا مراجع ذی‌ربط در اختیار وی قرار گیرد. در این اصل وضع قوانین با توجه به منافع و مصالح عالیه کودک در زمره تکالیف دولت دانسته شده است. اصل ششم نیز به پرورش کودک در محیطی با امنیت اخلاقی تأکید کرده است (Amir Arjomand, 2002).

در ماده ۱۳ کنوانسیون بر پذیرش حق کودک بر آزادی عقیده و بیان، این حق را شامل آزادی در جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع می‌داند و ماده ۱۴ به حق آزادی فکر، عقیده و مذهب برای کودک اشاره دارد (کنوانسیون حقوق کودک). گستره حریم خصوصی کودک در حقوق بین‌الملل، همانند فقه و قوانین اسلامی، با حق نظارت والدین و سرپرستان قانونی محدود شده است. گرچه در اسناد بین‌المللی به مسئله حق والدین بر تربیت کودک به طور مجزا نپرداخته است، اما در اسناد مرتبط به تربیت کودک، والدین مسئول اصلی در تربیت کودک معرفی شده‌اند.

در یک جمع‌بندی باید گفت حریم خصوصی کودک در قلمرو اطلاعات و عقیده به طور خاص در کنوانسیون حقوق کودک مورد حمایت قرار داده شده است، ولی در قلمرو فیزیکی مانند مسکن و محل کار توجه کمتری به آن شده است. شاید به این دلیل باشد

خصوصی ندارد، تنها مصادیقی از این حق را مورد بحث قرار داده است.

اما گاهی در خصوص حریم خصوصی کودکان به گونه دیگری عمل شده است و در قوانین مصوب، حفظ سلامت حریم خصوصی اطلاعات و ارتباطات کودک را مورد توجه قرار داده است. در ماده ۲۱۱ قانون مجازات مصوب سال ۱۳۰۴، تشویق فرد زیر ۱۸ سال به فساد اخلاقی یا شهوت رانی، تسهیل این موارد یا تهیه وسیله ارتکاب اعمال منافی عفت برای او و یا در ماده ۲۱۳ همان قانون به تجارت و توزیع هر نوشته، طرح، نقاشی، تصاویر مطبوعاتی منافی عفت برای افراد زیر ۱۸ سال، کودکان، اشاره کرده بود (قانون مجازات اسلامی).

در ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب سال ۱۳۷۲، عوامل توزیع و تکثیر عمد آثار سمعی و بصری مستهجن را مستوجب جریمه و ضبط می‌داند که در تبصره ۳ همین ماده به حمایت خاص از کودکان می‌پردازد و استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر و... را مستوجب حداکثر مجازات دانسته است. در نتیجه، تدوین شده توسط قوه قضائیه در سال ۱۳۸۷ درباره کودکان، به مسئله کودک و حفظ سلامت حریم خصوصی کودکان به گونه‌ای توجه کرده است. در ماده ۹ این لایحه آمده است برقراری ارتباط ناصحیح با کودک که شامل تحریک و ترغیب و یا فریب کودک و نوجوان به فرار از خانه یا مدرسه یا ترک تحصیل جرم می‌باشد. در ادامه، در ماده ۱۳ همین لایحه آمده است عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر نمودن کودک و نوجوان برای فحشا، ترغیب، تشویق و یا فراهم نمودن موجبات فحشا حبس دارد و در مواد ذیل:

ماده ۱۴ به برقراری عمل منافی عفت غیرحدی با کودک و نوجوان

که این قلمروها به طور اختصاصی برای کودک موضوعیت نداشته است.

۹- گستره مفهومی حریم خصوصی کودکان در قوانین موضوعه ایران

در حقوق موضوعه ایران، همان گونه که اشاره شد، عنوان حریم خصوصی به طور کلی در ایران فاقد سابقه می‌باشد و تعاریف متعدد و موجود تا حدی ما را به چالش می‌کشاند. هرچند که با اندکی تفحص در باب حریم خصوصی می‌توان دریافت که قانون‌گذار تنها مصادیقی از این عنوان را مورد توجه قرار داده است که با این عمل خود تا حدودی به حفظ سلامت و حریم خصوصی اطلاعات و ارتباطات کودک توجه نموده است.

در ابتدا قانون‌گذار در قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۳۲۴، در سه اصل سیزدهم، بیست و دوم و بیست و سوم، به ترتیب به حرمت خانه، مراسلات پستی و ممنوعیت افشا و توقیف تلگراف مورد توجه قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی، قانون‌گذار در قانون اساسی، با ذکر مصادیقی از حریم خصوصی، در اصل ۲۲ حریم خصوصی مسکن، در اصل ۲۳ حریم خصوصی عقاید و در اصل ۲۵ حریم خصوصی مکاتبات و مخابرات، حمایت‌های قانونی خود را از حریم خصوصی افراد اعلام نموده است. همچنین در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، در مواد ۱ و ۲ و ۱۶ و ۱۷ هم حمایت‌های قانون‌گذار در برابر شش عمده ارتباط خصوصی و پخش صوتی، تصویری، فیلم خصوصی و خانوادگی و همچنین انتشار تصاویر بدون رضایت افراد از طریق سیستم‌های رایانه‌ای که موجب ضرر یا هتک حیثیت شود، قابل پیگرد و مجازات دانسته شده است. در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان نیز مجدداً به این مسئله پرداخته شد که هر کودکی که در معرض آسیب جسمی، روانی یا اخلاقی و وضعیت مخاطره‌آمیز است، احتیاج به مداخله و حمایت قانونی دارد. جهت جلوگیری از اطاله بحث، همین که در تمام مواد مذکور قانون‌گذار تعریف دقیقی درباره حریم

ماده ۱۵ به استفاده از کودک و نوجوان برای تهیه و تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل.

ماده ۱۶ به واردات و صادرات موضوعات و مضامین مستهجن یا مبتذل با موضوع کودک و نوجوان

ماده ۱۷ به ارائه موضوعات و مضامین مستهجن و مبتذل به کودکان یا در دسترس آنها قرار دادن.

ماده ۲۳ به جرم‌انگاری برای افرادی که به افشای مشخصات یا هویت کودک و نوجوان بزه‌دیده در معرض خطر از طریق رسانه‌های گروهی و یا توزیع و تکثیر، انتشار و نمایش عکس دست می‌زنند و در ماده ۲۴ به به‌کارگیری کودک و نوجوان در ارتکاب جرم و آموزش دادن شیوه جرم، تحریک، ترغیب، تشویق یا فریب آنان به جرم اشاره نموده است (Peyvandi, 2011).

همچنین در ماده ۳۵ لایحه مزبور عنوان نموده‌اند که از اعلام تکلیف مددکاران اجتماعی و بهزیستی در خصوص وضعیت مخاطره‌آمیز کودک، در تبصره مقرر می‌دارد که سؤالات و تحقیقات از کودک باید به موضوع مورد بررسی محدود شود و تدابیر و اقدامات کافی برای جلوگیری از انتشار و افشای اطلاعات اتخاذ گردد. فی‌الواقع در تبصره اشاره می‌کند که باید به قدر متیقن و محدود، دخالت در حریم خصوصی کودک صورت گیرد. چه‌بسا که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به موضوع بهره‌کشی اقتصادی پرداخته شده است و به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و وارد کردن آنها به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی برای او خطرناک باشد، قابل مجازات است. این بهره‌کشی اقتصادی به نوعی با موضوع انتشار تصاویر کودکان و درآمدهایی که خانواده‌ها از این راه دارند همسو می‌باشد. مواد ۱۰ و ۱۹ در راستای عدم سوءاستفاده جنسی از کودکان با ذکر مصادیق گوناگون آن و عدم افشای اطلاعات مرتبط به هویت کودک بزه‌دیده در رسانه‌ها و فضای مجازی، مجدداً به این امر

تأکید شده است که انعکاس این را می‌توان در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در خصوص کودک بزهکار مشاهده نمود که در راستای حفظ حقوق و حریم کودک، در ماده ۲۰ جلسه دادگاه را غیرعلنی دانسته‌اند. همچنین در مواد ۲۱ و ۲۲ همین قانون، با ممنوع دانستن جریان رسیدگی و یا افشای هویت و مشخصات کودک بزهکار به‌وسیله مطبوعات یا سایر رسانه‌های گروهی و انجام تحقیقات در خصوص وضعیت کودک بزهکار با رضایت متخصص و مددکار اجتماعی، مجدداً به حفظ حریم خصوصی کودکان اشاره شده است (Bistouni & Meghdadi, 2021).

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در قوانین داخلی کشورمان فی‌الباب حریم خصوصی کودکان، در جایی که عنصر قانونی و یا قانون‌گذار حاضر باشند، دست به قانون‌نویسی زده‌اند و در هیچ‌یک از اسناد و قوانین، میزان حریم خصوصی کودکان و گستره حق والدین جهت ورود به این محیط را معین ننموده‌اند. شاید در توجیه این موضوع بتوان گفت قانون‌گذار میزان حریم خصوصی کودکان را به فرهنگ خانواده‌ها محول نموده است که این امر در جامعه امروز ما که کودکان بیش از هر زمانی در معرض آسیب قرار دارند و متأسفانه بسیاری از این آسیب‌ها از سوی محیط خانواده به آنها وارد می‌شود، تنها بیانگر غفلت قانون‌گذار در این زمینه است. لذا قانون‌گذار با ارائه تعریفی جامع و مانع از اغیار برای حریم خصوصی کودک می‌تواند در برابر واضح‌ترین این تعرضات، افشا و به اشتراک‌گذاری عکس کودکان در فضای مجازی، حتی توسط خانواده کودکان، بایستد و از بسیاری از اعمال نادرستی که به صرف تربیت کودک صورت می‌پذیرد جلوگیری نماید. عدم تعیین دقیق حریم خصوصی کودکان تنها باعث می‌شود که والدین در راستای اعمال حق ابوینی، حدود به‌طور گسترده‌ای در تمامی موضوعات و ابعاد زندگی کودکان خود دخالت کنند و حریم خصوصی آنها را نقض نمایند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکرشده فوق و تفسیر و تحلیل منابع دینی و لوایح قانونی مربوط به حریم خصوصی، می‌توان چنین برداشت کرد که حریم خصوصی افراد که در زمره حقوق طبیعی آن‌ها می‌باشد و در کنوانسیون حقوق کودک هم به آن اشاره است، متأسفانه در حقوق موضوعه ایران فاقد تعریف معین و منطقی است و قانون‌گذار در مواردی تنها به ذکر مصادیقی از این عنوان بسنده کرده است. در جاهایی که نیاز به قانون‌گذاری بوده، وضع قوانین کردند، ولی این قوانین دارای ابهامات و نواقصی است.

راهکار مبارزه با عواقب سوء این امر در وهله نخست آن است که قانون‌گذار قوانین را مطابق نیازهای روز جامعه تدوین و تصویب کند و از اطاله در امر تصویب بپرهیزد، سپس با ارائه تعریف حریم خصوصی در نوع اخص آن که مختص کودکان باشد، به وضع ضمانت اجرا علیه متعرضین به این فضا پرداخته و در راستای جرایم ارتكابی علیه کودکان گام‌های مؤثری بردارد.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، حریم کودک نه تنها در فضای فیزیکی، بلکه در لایه «داده‌های دیجیتال» و «ردپای رفتاری» نیز در معرض تهدید است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مفهوم «حریم» از یک حوزه مکانی به یک «حوزه اطلاعاتی و شناختی» تغییر ماهیت داده است. از این رو، بحث فقهی - حقوقی نباید تنها بر «حرمت ورود به خانه یا بدن» متوقف شود، بلکه باید به سمت «حرمت استخراج و بهره‌برداری از هویت دیجیتال کودک» حرکت کند. ضرورت اصلی، گذار از «حق مخفی ماندن» به «حق مدیریت بر خویشتن» است؛ مفهومی که می‌تواند به‌عنوان یک اصل راهبردی در تدوین

life within which an individual may reasonably expect freedom from unauthorized intrusion, surveillance, disclosure, or interference. Although the notion of privacy has long been recognized in different legal, philosophical, and cultural traditions, no universally uniform definition has emerged because the scope and

کنوانسیون‌ها و قوانین داخلی، جایگاه کودک را از یک «موضوع مورد حمایت» به یک «صاحب‌حق متمایز» ارتقا دهد. یافته‌های این مقاله اثبات می‌کند که حریم خصوصی کودک نباید صرفاً به‌عنوان «امتداد حریم والدین» یا «حق تبعی» تلقی گردد، بلکه باید به‌عنوان یک «حق بنیادین مبتنی بر کرامت انسانی در حال رشد» بازتعریف شود. از منظر فقهی، این پژوهش گذار از نگاه سنتی «حق بر مال و بدن» به نگاه نوین «حق بر هویت و امنیت روانی» را پیشنهاد می‌دهد؛ مفهومی که در آن حریم خصوصی، ابزاری برای محافظت از فرآیند رشد و شکل‌گیری شخصیت کودک در برابر مداخلات بی‌جای نهادهای خانواده، دولت و تکنولوژی است. تحلیل مفهوم‌شناختی در این مقاله، از یک شکاف عمیق میان «مبانی فقهی» و «قواعد حقوقی» در حوزه حریم خصوصی کودک پرده برداشت. در حالی که فقه با تکیه بر قواعدی نظیر «حرمت تجسس» و «حفظ مصلحت»، زیربنای ارزشمندی برای صیانت از حریم فردی فراهم آورده است، نظام حقوقی مدرن با نگاهی حداقلی و اغلب ابزاری، در مواجهه با پیچیدگی‌های عصر دیجیتال و حقوق کودک دچار لغزش شده است. نتیجه نهایی این تحقیق، پیشنهاد یک «نظام مفهومی واحد» است که در آن، حریم خصوصی کودک نه یک حق ایستا، بلکه یک «حق پویا و مراقبتی» تعریف شود؛ حقی که در آن، صیانت از حریم مستلزم تعادل میان «حق نظارت والدین» و «حق استقلال روانی کودک» است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The jurisprudential and legal conceptualization of children's privacy has become increasingly significant in light of the expansion of children's social, educational, familial, and digital interactions. Privacy, in its broad sense, refers to that sphere of personal

content of privacy vary across societies, historical periods, and normative systems. In Islamic jurisprudence, privacy has not generally been treated as an independent doctrinal category under a single technical title; rather, its foundations and manifestations are dispersed among rules concerning human dignity, prohibition of spying, confidentiality, protection of honor, inviolability of the home, prohibition of eavesdropping and visual intrusion, and protection against disclosure of private matters (Ansari, 2007; Ghahfarchi, 2011). The issue becomes more complex in relation to children because minors possess developing physical, intellectual, emotional, and social capacities and therefore require a form of protection that recognizes both their vulnerability and their progressive autonomy. From a legal standpoint, children's privacy also intersects with parental authority, guardianship, education, discipline, welfare, and the principle of the best interests of the child. The absence of a comprehensive and coherent definition of children's privacy in Iranian law creates interpretive difficulties, particularly where parental supervision, institutional intervention, and children's personal autonomy overlap. The Convention on the Rights of the Child, by contrast, expressly recognizes protection against arbitrary or unlawful interference with a child's privacy, family, home, correspondence, honor, and reputation, thereby establishing a distinct international legal foundation for children's privacy (Bistouni & Meghdadi, 2021; Peyvandi, 2011). Accordingly, the present study employs a descriptive-analytical method based on library research to clarify the conceptual foundations, scope, manifestations, and jurisprudential and legal evidence relating to children's privacy in Islamic jurisprudence, Iranian statutory law, and international legal instruments.

The conceptual basis of children's privacy cannot be examined independently from the concepts of human dignity and childhood. Human dignity, as a foundational normative principle, denotes the inherent worth and status of the human person and functions as an important justification for the protection of private life. Lexically, dignity encompasses meanings such as honor, nobility, status, respect, and freedom from degradation (Dehkhoda, 1994; Moein, 1981). In Islamic thought, a distinction is commonly drawn between inherent dignity and acquired dignity. Inherent dignity belongs to all human beings by virtue of their humanity and is not conditioned upon gender, race, social position, age, belief, or other acquired characteristics, whereas acquired dignity results from ethical conduct, spiritual development, and the cultivation of virtues (Hashemi, 2005; Jafari, 1981). Children, despite their limited legal capacity and incomplete physical and intellectual development, are therefore fully included within the scope of inherent human dignity. This point is essential because it prevents the child from being treated merely as an object of parental control or state protection and instead recognizes the child as a rights-bearing individual. The concept of childhood itself also has both jurisprudential and legal dimensions. In classical jurisprudence, childhood is generally associated with the period before religious maturity, while legal systems may employ different age thresholds for civil, criminal, protective, and social purposes. International law has largely adopted the age of eighteen as the general threshold of childhood, subject to national rules providing for earlier attainment of majority (Peyvandi, 2011). From this perspective, the conceptualization of children's privacy requires a synthesis between the child's inherent dignity, developmental vulnerability, and gradual acquisition of autonomy. This synthesis is

particularly important because privacy should not be reduced to a merely spatial notion; it must also encompass the child's bodily integrity, identity, information, emotional life, communications, beliefs, and protected sphere of personal development.

The jurisprudential foundations of privacy in Islamic law are reflected in several general principles that collectively form a normative framework for protecting private life. Among the most important are the principles of inherent human dignity, respect for honor and reputation, and the obligation to preserve secrets. Islamic jurisprudence strongly condemns conduct that degrades, humiliates, exposes, or unjustifiably intrudes upon individuals. The protection of honor is closely associated with the prohibition of defamation, backbiting, accusation, disclosure of faults, and other conduct capable of damaging a person's social standing or psychological integrity (Madani Kashani, 1989; Sabzevari, 1992). Likewise, the duty of confidentiality and the prohibition of disclosing entrusted secrets provide a direct jurisprudential basis for informational privacy (Al-Hurr al-Amili, 1988; Tamimi Amidi, 1989). These principles apply to children no less than adults and may require heightened protection because children are less capable of defending themselves against reputational, psychological, or informational harm. The Quranic prohibition of spying and unjustified suspicion further supports the protection of personal and familial privacy, while the requirement of obtaining permission before entering private spaces reinforces spatial privacy (Feyz Kashani, 1997; Ghahfarchi, 2011). Jurisprudential discussions concerning the sanctity of the home, prohibition of unauthorized observation, and prohibition of eavesdropping likewise demonstrate that Islamic law recognizes a protected sphere into which others may not intrude without justification (Al-Hurr al-Amili, 1988; Al-Kulayni, 1987). Although these rules were

historically formulated in contexts different from contemporary digital life, their underlying rationale is sufficiently broad to extend to modern forms of intrusion, including unauthorized access to communications, digital surveillance, dissemination of images, and disclosure of personal data.

The scope of children's privacy may be analytically divided into bodily and sexual privacy, spiritual and psychological privacy, informational privacy, and spatial privacy. Bodily and sexual privacy protects the child against unauthorized observation, touching, exposure, exploitation, or use of the body for commercial, sexual, or representational purposes. The Quranic rules concerning control of the gaze, modesty, and respect for bodily boundaries may be interpreted as supporting such protection, particularly where children are concerned because the preservation of their physical and psychological development requires protection from premature sexualization and intrusive exposure. Informational privacy encompasses identity data, photographs, audio and video recordings, educational records, health information, financial information, family circumstances, digital communications, and behavioral data (Nakhjavani, 2004). In contemporary settings, this category is especially important because children's personal information can be collected, stored, analyzed, reproduced, and disseminated on a scale unknown to classical legal systems. Spiritual and psychological privacy includes the protection of dignity, self-esteem, emotional security, and freedom from humiliation, ridicule, degrading labels, and unnecessary disclosure of personal faults. Islamic teachings against mockery, fault-finding, and reputational harm support such protection (Ansari, 2007; Tabatabaei, 1996). Spatial privacy, meanwhile, protects the child's need for a secure personal environment

within the household and other spaces in which the child may reasonably expect limited access or observation. Although the child's spatial privacy cannot be absolute because parental responsibilities require supervision and care, it should not be regarded as nonexistent. Rather, its scope should be calibrated according to age, maturity, risk, family circumstances, and the child's best interests. In this sense, Islamic jurisprudence provides a flexible normative foundation for recognizing privacy as a developmental right rather than an all-or-nothing entitlement.

International human rights law has contributed significantly to the explicit recognition of children's privacy. The Convention on the Rights of the Child provides the clearest legal articulation by protecting children against arbitrary or unlawful interference with privacy, family, home, and correspondence, as well as unlawful attacks on honor and reputation (Peyvandi, 2011). This protection is reinforced by broader international human rights instruments recognizing privacy as a general human right applicable irrespective of age or civil capacity (Amir Arjomand, 2002). The international framework also recognizes children's rights to freedom of thought, conscience, religion, expression, and access to information, all of which intersect with privacy because meaningful exercise of these freedoms depends upon a protected sphere of personal identity and communication. Nevertheless, children's privacy under international law is not absolute. It must be reconciled with parental responsibilities, protection from harm, and the evolving capacities of the child. In Iranian law, by contrast, privacy protection remains fragmented. Constitutional principles protect the inviolability of dwellings, beliefs, correspondence, and communications, while criminal and cybercrime legislation addresses certain forms of unauthorized access, surveillance, publication of private images,

and disclosure of personal information. Child protection legislation also includes provisions concerning exploitation, sexual abuse, publication of identifying information, and exposure of children to harmful material. However, these provisions do not yet amount to a comprehensive legal theory of children's privacy. The lack of a clear statutory definition, the absence of precise boundaries between parental authority and the child's personal sphere, and insufficient attention to digital data create major regulatory gaps (Bistouni & Meghdadi, 2021). Accordingly, Iranian law would benefit from a unified framework that distinguishes different dimensions of children's privacy and specifies when parental, institutional, or governmental intervention is legitimate.

In conclusion, children's privacy should be reconceptualized as an independent, developmental, and multidimensional right grounded in human dignity rather than as a derivative extension of parental privacy. The transformation of social life through digital technologies has shifted privacy from a predominantly spatial and bodily concern toward a broader sphere that includes personal data, behavioral traces, identity construction, communications, and psychological development. A contemporary jurisprudential and legal framework must therefore move beyond the traditional question of unauthorized physical entry and address the extraction, storage, circulation, and exploitation of children's information and digital identities. The central normative challenge is to balance the legitimate supervisory role of parents and guardians with the child's gradually expanding sphere of autonomy. This balance should be guided by age, maturity, best interests, proportionality, and necessity. The study ultimately proposes that children's privacy be understood as a dynamic protective right that grows with the child and safeguards the formation of

personality, dignity, autonomy, and identity against unjustified intrusion by family members, public institutions, commercial actors, and digital technologies. Such a framework would permit greater coherence between Islamic jurisprudential principles, Iranian statutory law, and international children's rights standards and would provide a stronger basis for legislative reform in the field of children's privacy.

References

- Al-Farahidi, A. a.-R. a.-K. i. A. (1988). *The dictionary of the letter Ayn* (Vol. 4). Dar al-Hijrah Institute.
- Al-Fayyumi, A. i. M. (1983). *The illuminating lamp concerning unfamiliar terms in the great commentary*. Dar al-Hijrah Institute.
- Al-Firuzabadi, M. i. Y. (1991). *The comprehensive dictionary*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Hurr al-Amili, M. i. H. i. A. (1988). *A detailed account of the means of the Shia for acquiring the rulings of the Sharia* (1 ed.). Al al-Bayt Institute.
- Al-Kulayni, A. J. M. i. Y. (1987). *The sufficient collection* (4 ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Raghib al-Isfahani, H. i. M. (1985). *The vocabulary of the Quran*. Dhu al-Qurba Publications.
- Al-Turayhi, F. a.-D. (1995). *The confluence of the two seas*. Mortazavi Bookstore.
- Allamah Hilli, H. i. Y. (1989). *Shia differences concerning the rulings of the Sharia* (3 ed., Vol. 7). Islami.
- Amid Zanjani, A. (2000). *An introduction to political jurisprudence* (Vol. 3). Amir Kabir.
- Amir Arjomand, A. (2002). *A collection of international human rights instruments*. Shahid Beheshti University Press.
- Ansari, B. (2007). *Privacy*. SAMT.
- Beheshti, A. (2012). *Islam and children's play* (Vol. 1). International Printing and Publishing Company.
- Bistouni, S., & Meghdadi, M. M. (2021). A comparative examination of the scope of children's privacy in Islam and the Convention on the Rights of the Child. *Contemporary Legal Studies*, 13(28).
- Dehkhoda, A. A. (1994). *Dictionary*. University of Tehran Press.
- Feyz Kashani, M. H. (1997). *The purest commentary on the Quran* (Vol. 1). Center for Islamic Research and Studies.
- Ghahfarchi, S. S. (2011). Protection of individual privacy in Quranic verses and hadiths. *Interdisciplinary Quranic Research Quarterly*, 3(2).
- Hashemi, S. M. (2005). *Islamic law of the Islamic Republic of Iran* (6 ed.). Mizan.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1993). *The tongue of the Arabs* (Vol. 4). Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution.
- Jafari, M. T. (1981). *Universal human rights from Islamic and Western perspectives*. Office of International Legal Services of the Islamic Republic of Iran.
- Madani Kashani, R. (1989). *The book of retribution for jurists and specialists*. Islamic Publications Office.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *[Title not supplied]* (Vol. 14). Al-Islamiyyah Publications.
- Mamaghani, A. i. M. H. (1925). *The paths of the pious*.
- Moein, M. (1981). *Moein dictionary* (4 ed.). Sepehr.
- Najafi, M. H. (2000). *Jewels of discourse in its new form*. Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to the Ahl al-Bayt School Institute.
- Nakhjavani, N. (2004). *Data protection law* (Vol. 1). Konj-e Danesh.
- Nuri, M. H. (1987). *Supplement to the means and deduction of the rulings*. Al al-Bayt Institute.
- Peyvandi, G. (2011). *Children's rights*. Publishing Organization of the Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Rahmdel, M. (2005). The human right to privacy. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*(70).
- Sabzevari, S. A. (1992). *A refined exposition of the rulings* (Vol. 28). Office of Ayatollah Sabzevari.
- Sadeghi, H. (2009). *Liability in electronic communications* (1 ed.). Mizan.
- Sadr, S. M. S. (1996). *Beyond jurisprudence* (Vol. 5). Dar al-Adwa.
- Shahid Thani, Z. a.-D. i. A. (1982). *Paths of understanding toward clarifying the laws of Islam*. Islamic Publications.
- Shaykh Tusi, A. J. (1986). *Jurisprudential disagreement*. Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers.
- Tabatabaei, M. H. (1996). *Al-Mizan: A commentary on the Quran* (1 ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Tamimi Amidi, A. a.-W. i. M. (1989). *Exalted aphorisms and pearls of speech* (2 ed.). Dar al-Kitab al-Islami.